

گفتمان‌سازی قرآن در جهت مبارزه با کم‌فروشی

معصومه میرزاجانی بیجارپسی*
رقیه صادقی‌نیری**

چکیده

پژوهش حاضر به شیوه اسنادی و روش توصیفی - تحلیلی به بررسی مراحل گفتمان‌سازی قرآن در باب مبارزه با مفسده اقتصادی کم‌فروشی پرداخته است. قرآن کریم کم‌فروشی را یکی از مهم‌ترین مفاسد برای اقتصاد جوامع معرفی نموده و نسبت به شیوع و ترویج آن در جوامع هشدار داده است. کم‌فروشی زمینه تجاوز به حقوق دیگران، برهم زدن مقیاس‌های اجتماعی و عیب گذاشتن بر اموال را فراهم می‌کند. گفتمان‌سازی، طراحی مطلوبیت‌های اقتصادی تشخیص داده‌شده بنابر آموزه‌های قرآن است که تلاش می‌کند این مطلوبیت‌ها را به یک نظام معرفتی غالب و همه‌گیر در جامعه تبدیل کند تا هنجارهای قرآنی در جامعه حفظ شود. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که قرآن کریم، گام به گام، با برنامه‌ریزی و به فراخور شرایط زمانی و فکری موجود در جامعه، به طی مراحل سه‌گانه «توصیف»، «تفسیر و توضیح» و «مواجهه و مبارزه» می‌پردازد.

واژگان کلیدی

آیات تطفیف، تفسیر اجتماعی، گفتمان‌سازی، کم‌فروشی.

m.mirzajani@kiau.ac.ir
rsadeghiniri@yahoo.com
تاریخ پذیرش: ۹۸/۳/۳۰

*. استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه آزاد اسلامی واحد کرج (نویسنده مسئول).
**. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آزاد اسلامی واحد اردبیل.
تاریخ دریافت: ۹۷/۶/۱۰

طرح مسئله

قرآن، کتاب هدایت و ضامن سعادت انسان‌ها و اصلاح جامعه بشری است و مهم‌ترین و استوارترین روش‌ها برای زندگی را پیش پای انسان می‌نهد. از جمله روش‌های مؤثر ذکرشده در قرآن، طرح مفاسد اقتصادی و بیان راهکارهای مقابله با آنها است. در این میان، یکی از امور حرام در معاملات کم‌فروشی است. کم‌فروشی به‌عنوان یکی از مصادیق کسب حرام و از گناهان کبیره در قرآن به‌شمار می‌رود. علت تأکید قرآن بر نهی و مذمت کم‌فروشی به دلیل آثاری است که در حوزه‌های مختلف اقتصادی، اعتقادی، اجتماعی، دنیوی و اخروی بر جوامع بشری وارد می‌شود، مانند اینکه کم‌فروشی با ضایع کردن حق مردم، اعتماد افراد جامعه به یکدیگر را کم می‌کند و برهم‌زننده نظام اقتصادی معتدل در جامعه است. بر این بنیاد، سؤال اصلی این است که مراحل گفتمان‌سازی قرآن کریم در جهت مبارزه با مفاسد اقتصادی چیست؟ مقاله حاضر تلاشی در جهت پاسخ‌گویی به این سؤال مهم است که با استناد و تأمل در آیات قرآن به انجام می‌رسد.

تاکنون پژوهش‌های مختلفی که هر کدام از زوایای گوناگونی مفاسد اقتصادی کم‌فروشی را مورد بررسی قرار داده به نگارش درآمده است. پژوهش حاضر از این نظر که به بررسی گفتمان‌سازی در جهت مبارزه با کم‌فروشی در سه سطح توصیف، تفسیر و توضیح ابعاد موضوع، روش مواجهه و مبارزه با کم‌فروشی در قرآن می‌پردازد، پژوهشی نو است.

مفهوم‌شناسی

الف) تطفیف

«تطفیف» (کم‌فروشی)، از ریشه «طفف» به‌معنای چیز کم، ناقص، غیرکامل، کوچک گرفته شده و طَفَّفَ الکیل: به‌معنای پیمانه ناقص و یا پیمانه‌ای که کاملاً پر نشده، می‌باشد (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲: ۵۲۱) طیفیف الشیء: کم و اندک از هر چیزی است (قرطبی، ۱۳۶۴: ۱۹ / ۲۵۱) مرتضی زبیدی تطفیف را به معنای خیانت به خریدار از طریق کم گذاشتن در پیمانه یا وزن داشته است. (مرتضی زبیدی، ۱۴۱۴: ۶ / ۱۸۲)

ب) گفتمان

«گفتمان» از پیچیده‌ترین و مبهم‌ترین مفاهیم عصر حاضر است (کلاتری، ۱۳۹۱: ۷) که با کثرت معنایی مواجه است (روحانی، ۱۳۹۱: ۹) و در بسیاری از رشته‌ها و رهیافت‌ها از زبان‌شناسی گرفته تا ادبیات، فلسفه، علوم اجتماعی و سیاسی مورد استفاده قرار می‌گیرد (داودی، ۱۳۸۹: ۵۱) گفتمان به دلیل اینکه واژه‌ای جدید است در کتب لغت فارسی به آن اشاره‌ای نشده است. گفتمان، از واژه

فرانسوی Discourse و لاتین Discursus به معنای گفتگو، محاوره، گفتار و از واژه Discurrer به معنای طفره رفتن، از سر باز کردن، تعلل ورزیدن و ... گرفته شده است. این اصطلاح در فارسی در معادل‌های دیگری همچون مقال، سخن، گفتار به کار رفته است (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۵: ۸) گفتمان در اصطلاح، ارائه فکری منسجم، منظم و قابل دفاع مبتنی بر فرهنگ و اعتقادات یک جامعه است که از سوی یک رهبر یا فعال سیاسی یا فرهنگی با توجه به فضا و شرایط خاص جامعه تبیین می‌گردد و محور فعالیت‌ها و جهت‌گیری‌ها قرار می‌گیرد و بر سرنوشت جامعه و مردم تأثیر می‌گذارد و رفتارهای سیاسی، اقتصادی و اجتماعی خاصی را شکل می‌دهد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۶: ۶) بستر زمانی، مکانی، موارد استفاده و سوژه‌های استفاده‌کننده هر مطلب، گزاره‌ها و قضیه تعیین‌کننده، شکل، نوع و محتوای هر گفتمان به شمار می‌روند (مک دائل، ۱۳۸۳: ۵۶) گفتمان شکلی از فعالیت اجتماعی است که اهداف و نتایج معینی دارد. (شی - ژو، ۱۳۹۴: ۲۰؛ عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۷)

گفتمان‌سازی یک اصطلاح جدید است، گفتمان‌سازی فرایند تبدیل یا ورود نظریه‌ها و گفتمان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی به ادبیات رایج جامعه و زندگی مردم است، فرایندی که با شناخت جامعه و استفاده از ابزارهای مناسب و آموزش صورت می‌پذیرد و اغلب زمانبر است. (اسکندری، ۱۳۹۳: ۲)

گفتمان‌سازی در جهت مبارزه با کم‌فروشی به معنای جریانی است که طی آن بتوان این مفسده اقتصادی را از جامعه حذف نمود، بنابراین برای انجام این منظور به شناخت و تبیین مسئله کم‌فروشی و به روش‌های رساندن این مفهوم در مخاطب توجه دارد تا بتوان مبارزه با پدیده کم‌فروشی را در جامعه گسترش داد، به نحوی که ارزش‌ها و مقررات مربوط به آن توسط افراد جامعه به رسمیت شناخته شود.

هندسه طرح مسئله کم‌فروشی و گفتمان‌سازی آن در قرآن بر مبنای ترتیب نزول

برای دستیابی به روش قرآن در گفتمان‌سازی مبارزه با کم‌فروشی در عصر نزول، توجه به هندسه طرح این مقوله در قرآن بر مبنای ترتیب نزول سور حائز اهمیت است. درباره ترتیب نزول سوره‌ها، روایاتی موجود است که مورد اعتماد بزرگان بوده و بیشتر این روایات از ابن‌عباس نقل شده است. ترتیب سوره‌ها، طبق روایت ابن‌عباس و تکمیل آن مطابق روایت جابر بن زید، با تصحیح از روی نسخه‌های متعدد قابل اعتماد است (معرفت، ۱۳۸۶: ۱۳۴؛ طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۰ / ۴۰۵) بنابراین، ترتیب نزولی که معرفت در کتاب *التمهید، یعقوبی* در کتاب *تاریخ یعقوبی* و طبرسی در کتاب *مجمع البیان*

معتبر دانسته‌اند، ملاک ترتیب آیات قرار داده‌ایم؛ چراکه این ترتیب علاوه بر رواج و شهرت در بین قرآن‌پژوهان، بر روایت ترتیب نزول از ابن عباس مبتنی است که معتبرترین روایت موجود است. آیات کم‌فروشی در هفت سوره از سوره‌های قرآن آمده است. با قدری تأمل و تتبع در منابع و کتب تفسیری و تأمل در سیاق آیات، ترتیب نزول آیات، برپایه چینش خاصی که ابن عباس درباره ترتیب نزول سوره‌ها در روایات ارائه می‌دهد (معرفت، ۱۳۸۶: ۱۳۷؛ حاکم حسکانی، بی‌تا: ۲ / ۴۱۰) این‌گونه است: اعراف / ۸۵، شعراء / ۱۸۳ - ۱۸۱، اسراء / ۳۵، هود / ۸۵، انعام / ۱۵۲، مطففین / ۳ - ۱، الرحمن / ۹ - ۸. آیات فوق در مکه نازل شده‌اند، بنابراین طرح مسئله کم‌فروشی در سور مکی آغاز می‌شود. قالب طرح در این سوره‌ها بیان ناپسند شمردن عمل کم‌فروشی به صورت نهی و مذمت آن عمل انجام می‌گیرد افزون بر آن در این سوره بیان داستان حضرت شعیب علیه السلام و اهل مدین و بیان عذاب برای کم‌فروشان پرداخته شده است.

روش گفتمان‌سازی مبارزه با کم‌فروشی در قرآن

گفتمان‌سازی، شیوه‌های تبدیل یک برنامه به ادبیات تک‌تک افراد جامعه است، که نیاز به برنامه‌ریزی دارد و شامل مراحل است که به صورت گام به گام پیش می‌رود. ذکر یک نکته را باید ضروری دانست و آن اینکه، مراحل که در ادامه با عنوان مراحل گفتمان‌سازی قرآن خواهد آمد، به هیچ عنوان مستقل از هم و مقطعی نیستند و بدین صورت نیست که مرحله بالاتر به اتمام رسیده و کامل قطع گردد و مرحله بعدی آغاز شود. تمامی مراحل در امتداد هم و هر کدام به صورت مستمر و یا در نهایت به صورت‌های دیگر ادامه یافته‌اند.

الف) مرحله توصیف

توصیف مرحله‌ای است که با ویژگی‌های صوری متن مانند واژگان، مفاهیم، ارتباط واژگان و معنا با یکدیگر سروکار دارد (آقاگل‌زاده، ۱۳۸۶: ۴۱) قرآن، آگاهی‌سازی درباره مفاسد انجام می‌دهد؛ ابتدا آیات مرتبط به هر مفسده، به صورت تدریجی و به ترتیب نازل شده است تا زمینه‌سازی فکری و روانی در جامعه برای بیان تحریم قطعی مفاسد فراهم شود. این مرحله در گفتمان‌سازی کم‌فروشی در آیات مکی به صورت زیر است:

۱. تشخیص و مسئله‌شناسی

برای ایجاد تغییر در گفتمان حاکم در عصر نزول که کم‌فروشی است به شناخت دقیق جامعه، شرایط و الزامات حاکم بر مردم آن جامعه نیاز است.

در روزگار جاهلیت ساکنان مکه از راه تجارت زندگی می‌گذراندند، البته آنها به درآمدهای ناشی از داد و ستد بسنده نمی‌کردند بلکه به کم‌فروشی که یکی از انحراف‌های اقتصادی که در میان اعراب جاهلی، مشرکان قریش و تاجران رایج بود، روی آوردند. آنان از راه‌های گوناگون آنچه را می‌فروختند کم می‌دادند و آنچه را می‌خریدند زیاد می‌گرفتند و این پدیده در میان مردم مدینه رواج بیشتری داشته است. (واحدی، ۱۴۱۱: ۴۷۴)

عمده روش‌هایی که برای روشن‌تر ساختن موضوع کم‌فروشی صورت گرفت بدین شرح است:

یک. بیان مذمت فساد در زمین و حرمت آن

در قرآن به‌طور صریح و مکرر کم‌فروشی مذمت شده و به شدت آن را تقبیح نموده است. (طیب، ۱۳۷۸: ۵ / ۳۸۲)

از جمله آیات نازل شده بر مسئله کم‌فروشی برپایه ترتیب نزول (اعراف / ۸۵) است که خدای متعال می‌فرماید:

وَأَلِيَّ مَدِينٍ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ.

و به‌سوی مردم مدین برادرشان شعیب را فرستادیم به قوم خود گفت: ای قوم خدای یگانه را که جز او خدایی ندارید بپرستید، برهانی از پروردگارتان به‌سوی شما آمده پیمان‌ه و وزن را تمام دهید و حق مردم را کم مدهید و در این سرزمین پس از اصلاح آن فساد راه میندازید، این دستور را اگر باور داشته باشید برای شما بهتر است.

در این آیه قرآن به صورت کلی درصدد مذمت کم‌فروشان است؛ به‌طوری که بیان می‌دارد، قوم شعیب مردمانی برخوردار از نعمت‌های الهی بودند. امنیت، رفاه و ارزانی قیمت‌ها و فراوانی نعمت داشتند، ولی به فساد، به‌ویژه به کم‌فروشی و نقص در ترازو و قیان مبتلا شدند. خداوند شعیب را به‌سوی آنها مبعوث کرد و دستور داد تا مردم را از پرستش بت‌ها، فساد در زمین و نقص کیل‌ها نهی کند و آن حضرت مردم را بدانچه مأمور شده بود، دعوت فرمود و آنان را انذار کرد. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۴ / ۳۸۲)

حضرت شعیب رضی الله عنه بعد از دعوت به توحید، قوم خود را دعوت به حق و عدالت در امور مالی کرد در آیه ۸۵ سوره اعراف و آیات ۸۴ و ۸۵ سوره هود به داستان حضرت شعیب رضی الله عنه تصریح شده است (جوادی آملی، ۱۳۸۷: ۲ / ۹۰) یکی از موضوعات مهمی که حضرت شعیب رضی الله عنه بر آن انگشت نهاد، همین موضوع فساد در زمین بود. منظور از فساد در زمین گناهایی است که باعث سلب امنیت مالی و

جانی در اجتماع می‌گردد؛ مانند راهزنی، غارت، تجاوزهای ناموسی و قتل و عدم انصاف در توزین. به همین دلیل وفای به کیل و وزن و بر هم نزدن نظم اقتصادی و اجتماعی، برای جامعه انسانی بهتر است و سعادت دنیا و آخرت جامعه را بهتر تأمین می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۸ / ۱۸۷) بی‌تردید از ایجاد فساد اعم از فساد اخلاقی، بی‌ایمانی و ناامنی هیچ کس بهره‌ای نمی‌گیرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۶ / ۲۵۱) از این‌رو خداوند در پایان آیه می‌افزاید: «این به سود شماست، اگر ایمان داشته باشید»؛ اشاره به این است که این دستورهای اجتماعی و اخلاقی هنگامی ریشه‌دار و ثمربخش خواهد بود که از نور ایمان روشن گردد و گرنه دوام و بقایی نخواهد داشت (طبرسی، ۱۳۶۰: ۵ / ۲۸۶) روشن است که هرگونه خیانت و تقلب در امر معاملات، پایه‌های اطمینان و اعتماد عمومی را که بزرگ‌ترین پشتوانه اقتصادی ملت‌هاست، متزلزل و ویران می‌سازد. (جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳: ۵ / ۱۱۳)

خداوند برای تأکید بیشتر درباره مذمت کم‌فروشی و عدم فساد در زمین این مطلب را در آیات ۱۸۳ - ۱۸۱ سوره شعراء بیان می‌فرماید:

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ * وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ * وَلَا تَبْخَسُوا
النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ.

شعیب به آنها گفت حق پیمانه را ادا کنید و کم‌فروشی نکنید، و دیگران را به خسارت نیفکنید و با ترازوی صحیح وزن کنید و حق مردم را کم نگذارید و در زمین تلاش برای فساد نکنید.

بدین ترتیب، کم‌فروشی و ترک عدالت به هنگام پیمانه و وزن، فساد در زمین دانسته شده که این خود دلیلی بر ابعاد مفاسد اجتماعی آن است. به همین دلیل پیشوایان بزرگ اسلام به این مسئله اهمیت بسیاری می‌دادند؛ تا آنجا که در روایت معروف اصبح بن نباته آمده است: از علی شنیدم که بر فراز منبر می‌فرمود: «ای گروه تجار اول فقه پیاموزید و سپس تجارت کنید» و این سخن را امام سه بار تکرار کرد و فرمود: تاجر، فاجر است و فاجر در دوزخ است، مگر آنها که به مقدار حق خویش از مردم بگیرند و حق مردم را بپردازند (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۱۵۰) در روایات اسلامی در آداب تجارت آمده است که مؤمنان بهتر است به هنگام پیمانه و وزن، کمی بیشتر بدهند و به هنگام گرفتن حق خود، کمی کمتر بگیرند تا مبادا مدیون گردند (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۲ / ۲۹۰) این مسئله نشان می‌دهد که مسائل اقتصادی یک جامعه را نمی‌توان ساده شمرد و نیز نشان می‌دهد که پیامبران فقط مأمور به مسائل اخلاقی نبوده‌اند، بلکه اصلاح وضع نابسامان اجتماعی و اقتصادی نیز بخش مهمی از دعوت آنها را تشکیل می‌داده است، تا آنجا که آن راه، بعد از دعوت به توحید قرار می‌دهند. (طوسی، ۱۴۰۹: ۸ / ۵۹)

همچنین خداوند در آیات ۶ تا ۴ سوره مطففین که به نام کم‌فروشان نامبردار گردیده است - می‌فرماید:

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ * الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ * وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ * أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ.

وای به حال کم‌فروشان آنان که وقتی چیزی را با پیمانانه یا وزن از مردم تحویل می‌گیرند کاملاً حق خود را استیفا می‌کنند ولی وقتی چیزی را تحویل مردم می‌دهند در پیمانانه و وزن کمتر می‌دهند آیا آنها عقیده ندارند که بعد از مرگ زنده خواهند شد و به روز رستاخیز ایمان ندارند.

خداوند در این سوره، تنها در صد وعید و انذار از یک پلیدی و خیانت در کیل است و در صد

درمان این بیماری در میان مردم است. (خطیب، بی‌تا: ۱۶ / ۱۴۸۹)

از این تعابیر استفاده می‌شود که این قبیل اعمال، موجب فساد شده و مرتکبین چنین اعمالی نیز اهل فساد شمرده می‌شوند.

دو. بررسی لایه واژگانی کم‌فروشی

آیات کم‌فروشی، بازتابی جامع و دقیق از اوضاع و احوال جامعه‌ای است که کم‌فروشان نقشی اساسی در شکل‌گیری اقتصاد آن بازی می‌کنند. به بیان دیگر، بیشتر واژه‌های این آیات، به اشکال گوناگون، بازتاب احوال واقعی کم‌فروشان است. در اینجا مهم‌ترین آنها بررسی می‌شود:

۱) کم‌فروشی در ردیف گناهان دیگر

خداوند در آیه ۳۵ سوره اسراء می‌فرماید:

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزَنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا.

و چون پیمانانه کنید، پیمانانه را تمام بدهید، و با ترازوی درست وزن کنید که این بهتر و سرانجامش نیکوتر است.

در این سوره قبل از تصریح به موضوع پیمانانه و وزن صحیح که در آیه ۳۵ بیان می‌شود، به زنا،

قتل نفس و تعدی به مال یتیمان پرداخته شده است و کم‌فروشی در ردیف این گناهان قرار گرفته

است. (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۳ / ۹۱ - ۸۷)

آیه «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ» کم‌فروشی را مانند شرک، کفر و ظلم دانسته و در ردیف این گناهان اساسی

ذکر کرده است. این نشان می‌دهد که کم‌فروشی و زیان رساندن به مردم آثار و تبعات گسترده دارد

که بیان آن جز فریاد ویل نیست. لفظ ویل که نماینده گرفتاری به انواع درد، رنج و مصیبت است، در

قرآن برای کسانی ذکر شده است که آلوده و گرفتار به نوعی از گناه و انحراف فکری و اخلاقی می‌باشند که منشأ و ریشه دیگر گناهان و آلودگی‌ها و فسادها می‌باشد. (طالقانی، ۱۳۶۲: ۳ / ۲۳۳)

۲) بهره‌گیری از واژگان جدید در بیان مطلب

یکی از عناصر مهم در پیشبرد گفتمان جدید در جامعه، استفاده از مفاهیم و واژگان جدید است، که افزون بر رساندن مفهوم، به تحریک احساسات هم پردازد و توجه بیشتری را به خود جلب کند. از این‌رو، قرآن توانسته است با استفاده از واژگان جدید گفتمان حاکم بر قرآن را بازتاب و مقصود مورد نظر را بیان کند؛ بنابراین قرآن کریم از این روش به خوبی بهره برده است و در مورد مسئله کم‌فروشی آورده است:

کم‌فروشی، از جمله عواملی است که فضای سالم اقتصادی یک جامعه را از میان می‌برد و سبب پراکندگی و نگرانی افراد جامعه می‌شود، به گونه‌ای که هیچ کس از سالم بودن معامله‌ای که انجام می‌گیرد، مطمئن نیست و تنها در این فکر است که مبدا فریب بخورد (حبیب الهی، ۱۳۸۷: ۱۱۴) قرآن نظام اقتصادی جامعه اسلامی را بر پایه قسط و انصاف بنا نهاده و به صورت اصلی کلی، در آیه ۳۵ اسراء فرموده است: «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا»

واژه «قسطاس» که در این آیه به کار رفته، از دو کلمه قسط به معنای «عدل» و «طاس» به معنای کفه ترازو است (آلوسی، ۱۴۱۵: ۱۵ / ۷۲) مسائل دادوستد و رعایت حقوق مردم در معاملات چنان مهم است که قرآن بارها روی آن تأکید نموده و طولانی‌ترین آیه قرآن (بقره / ۲۸۲) و سوره‌ای به نام مطففین مربوط به آن است. از پیام‌هایی که می‌توان از این آیه گرفت این است که بازار مسلمانان، باید از تقلب و کم‌فروشی دور باشد و فروشندگان باید امین، درستکار، دقیق و با حساب و کتاب باشند و توجه به این نکته داشته باشند که کسب صحیح، موجب خوش عاقبتی می‌گردد. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۱۴ / ۱۳۲)

غیر از آیه فوق، در برخی آیات، تعابیر «وَزِنُوا بِالْقِسْطَاسِ الْمُسْتَقِيمِ؛ هر چیز را با ترازوی درست وزن کنید» (شعراء / ۱۸۲) و یا تعابیر «وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ؛ و وزن را عادلانه انجام دهید» (الرحمن / ۹) و یا «أَلَا تَطْعَمُونَ فِي الْمِيزَانِ؛ در سنجش از حد نگذیرید» (الرحمن / ۸) به کار رفته است. این گونه آیات، با تأکید، مسئله کم‌فروشی را مطرح می‌کنند و بسیاری از آنها به زمان حضرت شعیب رضی الله عنه مربوط می‌شوند و از آنجا که در آن زمان، کم‌فروشی رواج و شیوع فراوان داشته است و به صورت یک بیماری و ناهنجاری اجتماعی درآمده بود معمولاً، با تعابیری مثل «لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ» (اعراف / ۸۵) یا «وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ» (شعراء / ۱۸۳؛ هود / ۸۵) همراه آمده است (مصباح یزدی، ۱۳۹۱: ۳ / ۲۵۸)

همچنین در آیه «وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ» (شعراء / ۱۸۳)؛ و از ارزش اشیای مردم نگاهید.» به منع از بخش اشاره شده است؛ منظور از بخش این است که با عیب و ایراد نهادن به جنس مردم متاع آنان را بی‌ارزش نکنید؛ بنابراین صرف کم نفروختن و پیمانانه تمام گرفتن کافی نیست، باید عدالت کافی و ادای حق مردم در معاملات رعایت گردد (طبرسی، ۱۳۶۰: ۸ / ۸۰۴) با توجه به موارد استعمال واژه بخش و مشتقات آن در قرآن، به نظر می‌رسد اولاً مفهوم بخش اعم از تطفیف (کم‌فروشی) است و تطفیف یکی از مصادیق بخش است. (طریحی، ۱۳۷۵: ۴ / ۵۲)

در مقابل، به افرادی نیز که این اصل را زیر پا می‌گذارند و به رعایت قسط و عدل در معامله‌های خود پایبند نیستند، به شدت، در سوره مطففین هشدار داده است؛ افرادی که چون می‌خواهند کالا و جنسی را بخرند، به تمامی می‌گیرند، ولی آنگاه که می‌خواهند به دیگران بفروشند، از آن کم می‌گذارند و کم می‌فروشند (حکیمی، ۱۳۸۰: ۴ / ۴۶۲) تعبیری که درباره این افراد به کار رفته، «ویل» است و این واژه، بیشتر برای تهدید و نکوهش «کافران» و «مکذبین» به کار رفته و این نشان از اوج زشتی عمل کم‌فروشی در نزد خداست. (طیب، ۱۳۷۸: ۱۲ / ۲۹۵)

هنگامی که خداوند سوره‌ای را با چنین عنوانی نازل می‌کند حاکی بر مهم بودن و شایع بودن این مسئله در بین بنی‌آدم است و اینکه وقتی این سوره با چنین جمله‌ای «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ» یعنی وای بر کم‌فروشان آغاز می‌شود، این مطلب نشان از سنگین بودن جرم کم‌فروشی و حق‌کشی دارد. (مصباح‌یزدی، ۱۳۹۱: ۳ / ۲۵۸)

۲. بیان استفهام

استفهام برای پرسش از امری مجهول به‌کار می‌رود؛ این امر، نقشی برجسته در تحریک ذهن مخاطب و حس کنجکاوی وی نسبت به مضمون پرسش بازی می‌کند. اکنون نمونه‌ای از استفهام در آیات کم‌فروشی مورد بررسی قرار می‌گیرد:

باور به معاد و یاد آن یکی از نیرومندترین عوامل درونی اصلاح رفتارها و جلوگیری از ناشایست‌ها، از جمله مفاصد اقتصادی است. قرآن کریم در نهی از کم‌فروشی و نکوهش کم‌فروشان در آیات ۶-۴ سوره مطففین می‌فرماید:

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ * لِيَوْمٍ عَظِيمٍ * يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ.

آیا آنها گمان نمی‌کنند که برانگیخته خواهند شد، در روزی بزرگ، روزی که مردم در پیشگاه پروردگار جهانیان به پا می‌ایستند.

استفهام در آیه فوق انکاری و برای برانگیختن تعجب شنونده است و کلمه «ظن» در آن به

همان معنای معروف است و کلمه «اولئک» اشاره به مطففین است و اگر برای اشاره به آنان این کلمه را که مخصوص اشاره به دور است برگزید برای این است که بفهماند کم‌فروشان از رحمت خدا به دورند و منظور از «یوم عظیم» روز قیامت است که در آن به عملشان کیفر داده می‌شوند و خداوند در این آیه اکتفا کرد به ظن و گمان به مسئله قیامت، با اینکه اعتقاد به معاد باید علمی و یقینی باشد، برای اشاره به این حقیقت است که در اجتناب از کم‌فروشی احتمال خطر و ضرر آخرتش هم کافی است، اگر کسی یقین به قیامت نداشته باشد و تنها احتمال آن را بدهد همین احتمال که ممکن است قیامت راست باشد و خدای متعال در آن روز عظیم مردم را بدان چه کرده‌اند مؤاخذه کند، کافی است که او را از کم‌فروشی بازدارد. (رازی، ۱۴۲۰: ۳۱ / ۸۳)

واژه «يُظَنُّ» ممکن است اشاره به این داشته باشد که اعتقاد به معاد، هرچند در حدّ گمان، تأثیر عمیقی بر پیشگیری از مفاسد اقتصادی دارد (طبرسی، ۱۳۶۰: ۹ / ۳۶۳)، از این‌رو، در نگاه قرآن، بازرگانی که به هنگام تجارت پیوسته به یاد معاد هستند، مقام والایی می‌یابند. (نور / ۳۸ - ۳۷)

از این آیات برمی‌آید که بروز مفاسد اقتصادی نشان از عدم اعتنا به معاد دارد و بنابراین، می‌توان گفت که از دیدگاه قرآن، توجه به روز قیامت و روز محاسبه اعمال عاملی مهم برای جلوگیری از مفاسد اقتصادی است.

ب) مرحله تفسیر و توضیح موضوع و ابعاد آن

در این مرحله به برداشت‌هایی که از مفاهیم وجود دارد می‌پردازد تا توضیحاتی درباره موضوع داده شود و ابعاد آن و نقاط قوت آن مشخص گردد. بنابراین برای انجام آن از روش فرهنگ‌سازی کمک گرفته می‌شود.

۱. فرهنگ‌سازی

برای تغییر یک دیدگاه و جایگزینی فرهنگ دیگر به جای آن، پس از بیان موضوع و آماده شدن اولیه ذهن‌ها با مسئله محوری، نیاز به فرهنگ‌سازی وجود دارد. استفاده از مصادیقی که برای مخاطبان ملموس و شناخته شده باشد، روش قرآن در فرهنگ‌سازی است. اختصاص بعضی از این آیات فرهنگ‌ساز و استمرار آن در سوره‌های قرآن دلالت بر اهمیت این روش دارد.

یک. بیان اخبار گذشتگان

یکی از داستان‌های پیامبران که به‌طور مکرر در قرآن کریم آمده است، داستان حضرت شعیب علیه السلام و اهل مدین است (ابن کثیر، ۱۴۱۲: ۳ / ۳۴۵) کم‌فروشی یکی از مفاسد اجتماعی در زمان حضرت شعیب علیه السلام بود

و این پیامبر با این عمل مبارزه می‌کرد. حضرت شعیب علیه السلام تأکید بسیاری بر دقت در مبادلات، از جهت وزن، می‌نمود. قوم مدین که حضرت شعیب علیه السلام رهبری آنان را برعهده داشت، عبادت غیر خدا می‌کردند و پیمانه‌ها و میزان‌ها را کم می‌دادند و در تجارت برای خرید کالاها به قیمت کم از مردم پافشاری می‌کردند و با ثروت‌هایی که از این راه‌ها به دست می‌آوردند (زحیلی، ۱۳۷۴: ۲۰ / ۸۱) سرزمین خود را به فساد کشانده و مردمان مؤمن را از پیروی راه الهی باز می‌داشتند (قانع، ۱۳۷۱: ۳۱۵) این قوم هنگام وزن و پیمانه جنس خود را دقیقاً می‌سنجیدند و گاه کم‌فروشی می‌کردند، ولی جنس دیگران را با بی‌اعتنایی وزن می‌کردند و گاهی بیشتر از مقدار لازم برمی‌داشتند و چون طرف مقابل نیازمند بود، به ناچار به تمام این مسائل تن درمی‌داد. همچنین اهالی ضعیف‌تر و کم‌درآمدتر خود منطقه مجبور بودند جنس خود را با سرمایه‌داران معامله کنند و قیمت متاع (اعم از جنسی را که می‌خریدند و جنسی را که می‌فروختند) به میل آن ثروتمندان تعیین می‌شد و پیمانه و وزن نیز، در هر حال در اختیار آنها بود (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ۱۵ / ۳۳۴) بی‌توجهی به پیمانه و ترازو نشانه‌ای است از نبودن نظم، حساب، میزان و سنجش در کارهایشان و نمونه‌ای از غارتگری، استثمار، ظلم و ستم در جامعه ثروتمندان آنهاست.

از این‌رو، در آیات متعدد، از زبان شعیب، این مسئله با تعبیرهای مختلف، بازگو می‌شود؛ چنانکه:

در آیه ۱۵۲ سوره انعام آمده است: «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ يَاقُسُطُ؛ و حق پیمانه و وزن را به عدالت ادا کنید».

خداوند در آیات ۸۴ و ۸۵ سوره هود می‌فرماید:

وَأَلِيَّ مَدِينٍ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَنْقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَأَيْكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ * وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ يَاقُسُطُ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُّفْسِدِينَ.

در مبادلات، از وزن و کیل کم نگذارید؛ من خیر شما را می‌خواهم و بر شما نگران عذاب روز قیامت هستم که شما را احاطه خواهد کرد. ای مردم کیل و وزن را به‌طور کامل رعایت کنید و به مردم، کم نفروشید و در زمین به فساد برنخیزید.

مطلبی که شعیب علیه السلام آن را بعد از دعوت به توحید در آیات فوق مطرح کرد، این بود که در دادوستدهای خود پیمانه و ترازو را کم نگذارند. معلوم می‌شود که مردم مدین دچار این انحراف اقتصادی بودند که به هنگام خرید و فروش کالاها، کم‌فروشی می‌کردند. شعیب علیه السلام آنها را از آن کار نهی کرد و تذکر داد که من شما را در برخوردارگی و وفور نعمت می‌بینم و این اشاره به این حقیقت بود که اگر از این گناه دست برندارند، خداوند نعمت خود را از آنها می‌گیرد (طباطبایی، ۱۴۱۷: ۱۰ / ۳۶۱)

جمله «إِنِّي أُرَاكُمْ يَخْتِرُونَ» اشاره به این دارد که شما دارای نعمت فراوان و خیر کثیر هستید، پس دلیلی ندارد به پستی تن دهید و حقوق مردم را ضایع کنید و به جای شکر، کفران نعمت کنید؛ زیرا این کم‌فروشی سبب می‌شود به عذاب روزافزون گرفتار شوید. (طبرسی، ۱۳۶۰: ۳ / ۱۰۹)

حضرت شعیب رضی الله عنه، اول عقیده مردم را اصلاح می‌کند که رزق و روزی به دست خداوند است. «ربی رزقنی» و بعد گمان آنها را، که فکر می‌کردند با کم‌فروشی می‌توانند زندگی خوبی را به دست آورند. (خطیب، بی تا: ۶ / ۱۱۸۸)

حضرت رضی الله عنه برای بازداشتن مردم از کم‌فروشی اول به آنها شخصیت و دلگرمی می‌دهد تا اعتماد به حضرت و حرف‌های حضرت پیدا کنند، چون این مسئله در میان‌شان بسیار عادی شده بود آن قدر تکرار می‌کند تا کم‌کم برای آنها جا بیفتد. از طرفی راه درست معامله را به آنها ارائه می‌دهد و خودش هم به آن عمل و آن را کنترل و نظارت می‌کند. (سید قطب، ۱۴۱۲: ۴ / ۱۸۴۲)

دو. عدالت و رعایت انصاف در پیمان‌ها کردن و توزین کالا

آیاتی در قرآن وجود دارد که بر ضرورت رعایت حقوق افراد در خرید و فروش و به‌خصوص کامل بودن پیمان‌ها و درست بودن ترازو تأکید دارد؛ برخی از این آیات به ترتیب نزول عبارتند از اعراف / ۸۵، شعراء / ۱۸۳ - ۱۸۱، هود / ۸۵. خداوند در آیه این آیات می‌فرماید:

اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِنْ رَبِّكُمْ فَأَوْفُوا الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا. (اعراف / ۸۵)

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ * وَزِنُوا بِالْقِسْطِاسِ الْمُسْتَقِيمِ * وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ. (شعراء / ۱۸۳ - ۱۸۱)

حق پیمان‌ها را ادا کنید و مردم را به خسارت و زیان می‌فکنید و با ترازوی مستقیم و صحیح، وزن کنید حق مردم را کم نگذارید و بر اشیا و اجناس مردم عیب ننهید و روی زمین فساد مکنید.

وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ.

پیمان‌ها و وزن را با عدالت کامل کنید و بر اشیاء مردم عیب مگذارید و از حق آنان نگاهید و در زمین فساد مکنید.

شعیب پس از دعوت به توحید که اصل و پایه دین است، به وفای به کیل و میزان و اجتناب از کم‌فروشی که در آن روز متداول بوده دعوت نموده و سپس آنان را دعوت به این معنا کرده که در

زمین فساد نکنند و برخلاف فطرت بشری راه نروند (قمی، ۱۳۶۸: ۵ / ۱۳۶)

«ایفاء» مصدر «وفوا» به معنای دادن حق به تمام و کمال می‌باشد و «بخس» مصدر «لاتبخسوا» به معنای کم کردن ظالمانه حق است. حضرت در اینجا سخن خود را درباره پیمان‌ها و میزان تکرار کرده و پس از اجمال، به تفصیل، در این باره صحبت می‌کند و با تکرار این مطلب می‌خواسته اهمیت بیشتری به دادن حق داده باشد؛ چون کم گذاشتن پیمان‌ها و وزن و دیگر مفاصد اقتصادی در جامعه عادی شده بود، لذا حضرت نیز با تکرار و تذکر مدام درصدد اصلاح جامعه است. شعیب رضی الله عنه در این آیات بار اول با نهی از نقص کیل و وزن، قوم خود را به سوی صلاح دعوت کرد و در نوبت دوم به ایفای کیل و وزن امر کرد و از بخش مردم و ناتمام دادن حق آنان نهی نمود. اگر تعالیم شعیب در مراعات وفا و عدالت در کیل و وزن رعایت شود، موجب ایجاد رشد و استقامت در تقدیر معیشت می‌شود. (فضل الله، ۱۴۱۹: ۱۲ / ۱۰۸)

سه. بیان پیامدهای کم‌فروشی

قرآن یکی از روش‌هایی را که در بیان احکام در پیش گرفته، توجه دادن به علت یا حکمت حکم است. از این رو در آیات قرآنی یا روایی، بخشی از حکم، اختصاص به بیان آثار و یا علت‌ها و حکمت‌های آن دارد. خداوند در بیان حکم شدید و سخت‌گیرانه درباره کم‌فروشی که آن را از محرمت الهی دانسته به برخی از آثار این رفتار می‌پردازد تا این‌گونه انسان را تشویق به ترک این رفتار کند.

۱) کاهش سطح اعتماد

در آیات «أَلَا تَتَّقُوا فِي الْمِيزَانِ * وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ» (الرحمن / ۹ - ۸)؛ «وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كِلْتُمْ وَزَنُوا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا» (اسراء / ۳۵)؛ «وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ.» (هود / ۸۵) با توجه به عباراتی مانند «بخس» که به نقص و کم دادن اشاره دارند؛ رواج کم‌فروشی در جامعه در درازمدت پیامدهای سوء فراوانی به همراه خواهد داشت؛ از جمله اینکه خود او نیز کالاها و خدمات را به‌طور ناقص و گران دریافت خواهد کرد و بنابراین، ثروت او همواره در حال کاهش و زوال خواهد بود. افزون بر این، کم‌فروشی که نوعی سرقت است، یک انحطاط اخلاقی و آفت شخصیتی برای افراد جامعه به بار می‌آورد. همچنین امنیت خاطر مردم در مبادلات و فعالیت‌های اقتصادی دچار آسیب گشته، سطح رضایت خاطر آنان از حاصل تلاش‌های اقتصادی یکدیگر کاهش می‌یابد. (موسوی‌همدانی، ۱۳۷۴: ۱۰ / ۵۴۴؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳: ۵ / ۱۱۲)

از جمله اموری که انتظام زندگی و معیشت عموم بر آن استوار است وفا در دادوستد است، باید

تبادل و توازن در عوض و معوض رعایت شود و به‌طور کلی در معاملات و دادوستدها و قراردادهای تبادل منظور گردد و به هرچه دو طرف معامله بدان اقدام نموده انجام یابد و ضرر و زیان متوجه طرف معامله شود. بدیهی است در کم‌فروشی دو خیانت به خریدار روا شده است؛ یکی از قیمتی که مقرر بوده، برای خریدار گران‌تر شده و دیگر خریدار مقدار جنس و کالا که مورد نیاز او بوده کسر خواهد آورد و به‌طور نیرنگ فروشنده از کالا که باید بپردازد و به خریدار تحویل دهد، قدری از آن ربوده است، چنانچه این خوی ناپسند در میان مردم توسعه یابد، اعتماد مردم نسبت به یکدیگر سلب شده، در نظام خرید و فروش و دادوستد و قراردادهای خلل جبران‌ناپذیری رخ خواهد داد (حسینی‌همدانی، ۱۳۸۰: ۱۸ / ۴۰) در این سوره‌ها، روش سرمایه‌داران مقتدر عرب آن زمان دیده می‌شود که مردم دست‌تنگ بیچاره به زور و جبر آنها تن می‌دادند و به دلخواه آنها اجناسشان را می‌خریدند و هم به خواسته آنها کالای خود را به ایشان می‌فروختند؛ زیرا جمله «اكتالوا علی الناس» چیرگی و فرماندهی را می‌رساند و گرنه بایستی بگویند «اكتالوا من الناس» تا بفهماند مردم به اختیار برای ایشان پیمان می‌کردند. از این روی اعراب ستمگر که در همه آداب زندگی، سنگ کم به ترازوی مردم می‌نهادند، دریافتند که اسلام دین عدالت و مساوات و یگانگی است و به هیچ روی سهل‌انگاری و چشم‌پوشی و تبعیض نمی‌پذیرد. (عاملی، ۱۳۶۳: ۸ / ۵۱۱)

ج) روش مواجهه و مبارزه با کم‌فروشی

قرآن کریم در راستای برخورد و مبارزه با کم‌فروشی به روش‌های زیر پرداخته است:

۱. بیان عذاب‌های کم‌فروشان

قرآن کریم از روش انذار به عذاب‌های اخروی و وعده پاداش اخروی برای تحقق رفتارهای بهینه اقتصادی استفاده کرده است.

خداوند در آیات ۸۴ تا ۹۵ سوره هود به بیان عذاب‌های دنیوی و اخروی کم‌فروشی می‌پردازد. قرآن کریم، به‌عنوان جامع‌ترین دستور زندگی بشر، این بُعد از حیات اجتماعی را هم مدنظر قرار داده و با ذکر سرنوشت عبرت‌انگیز قوم مدین عاقبت تلخ آنان را خاطر نشان ساخته است. این قوم که ظاهراً با تکیه بر موقعیت ممتاز تجاری به ثروتی بسیار رسیده بود به سبب عدم رعایت عدالت، گرفتار عذاب الهی و زوال گردید. شعیب علیه السلام پیامبر این امت پس از دعوت به یکتاپرستی به مردمان خود در آیه ۸۵ سوره هود هشدار داده است: «ای قوم من پیمان‌ه و ترازو را دادگرانه و تمام و کمال بدهید و به مردم اجناسشان را کم مدهید و در این سرزمین فتنه و فساد برپا نکنید».

این آیات به انسان هشدار می‌دهد یکی از عوامل گرفتاری انسان به عذاب استیصال و نابودی در دنیا، کم‌فروشی است، چنان‌که اصحاب ایکه و مردم مدین از قوم شعیب رضی الله عنه این‌گونه بودند و خود را به عذابی سخت گرفتار کردند و به صیحه آسمانی هلاک شدند. (آلوسی، ۱۴۱۵: ۴ / ۲۲)

همچنین خداوند در آیات ۱۸۱ تا ۱۸۹ سوره شعراء درباره عذاب‌های کم‌فروشی می‌فرماید: «اصحاب ایکه پیامبر خویش شعیب رضی الله عنه را که آنها را از کم‌فروشی و فساد اقتصادی برحذر می‌داشت، انکار کردند و نه تنها از این کار دست نکشیدند، بلکه او را سحرشده و دروغ‌گو نیز خواندند و این نبود، جز به این دلیل که آنها به گناه کردن، به‌ویژه حرام‌خواری، کم‌فروشی و فساد مالی عادت کرده بودند.» در نتیجه، پیامبر خدا را دروغ‌گو و سحرشده خواندند و او را تکذیب کردند. ذکر چنین عاقبتی برای اصحاب ایکه (طبرسی، ۱۳۶۰: ۳ / ۱۸۵) یعنی تکذیب کردن پیامبران خویش و سرانجام، دچار عذاب شدن، هشدار جدی به کم‌فروشان و کسانی است که در معامله فریب‌کاری می‌کنند.

اینکه کسی به‌عنوان پیمان‌ه و ترازو ریشه عدالت قسطی یا همان عدالت ملموس را بخشکاند، فریبی بزرگ است که جز عذاب خوارکننده و هلاک‌کننده دنیا و عذاب آخرتی دوزخ و آتش آن نمی‌تواند، کيفر و مجازات چنین عملی باشد. (رازی، ۱۴۲۰: ۲۴ / ۵۲۸)

خداوند در آیه نخست سوره مطففین «وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ»، کم‌فروشی را عامل گرفتاری در آتش دوزخ دانسته و کم‌فروشان را در دره‌ای از دوزخ به عذابی هلاک‌کننده و دردناک ترسیم می‌کند. (ابن منظور، ۱۴۰۵: ۱۰ / ۴۲۲)

۲. تبلیغ گفتمان جدید

در مرحله تبلیغ باید ویژگی‌های بارز و متفاوت دیدگاه جدید کاملاً بیان شود و در صورت امکان الگوسازی‌های ذهنی در رابطه با آن صورت گیرد. در این مرحله افزون بر بیان نقاط قوت فرهنگ جدید، از ابزارهایی مانند برانگیختن احساسات هم استفاده می‌شود. قرآن در ارتباط با کم‌فروشی از این ابزارها کمک گرفته و با روش‌های زیر به تبلیغ و ارتقا و به‌تعبیر دیگر به مبارزه با کم‌فروشی پرداخته است:

یک. روش تعیین اوزان

با توجه به آیه ۸۵ سوره هود و آیات ۱۸۱ تا ۱۸۳ سوره شعراء، ضایع کردن حق مردم از مسائل اقتصادی یکی از بارزترین نمونه‌های فساد است که اقتصاد سالم جامعه را به فساد می‌کشاند. به همین دلیل باید به دادوستدها و امور اقتصادی جامعه نظارت کلی و کنترل جدی داشته باشیم. (طوسی، ۱۳۶۴: ۷۵ / ۱)

از وظایف و کارهایی که مدیر اسلامی بر مبنای آیات قرآن باید به آن توجه داشته باشد، نظارت بر بازار است که با این نظارت‌ها جامعه از لحاظ اقتصادی به سامان می‌رسد. مهم‌ترین مواردی که

توسط پیامبر ﷺ تحت نظارت و کنترل قرار گرفت، عبارت بود از: کیفیت کالا، کنترل قیمت‌ها، تعیین اوزان و پیمانه‌ها و ... که تلاش گردید با حفظ قوانین و مقررات اسلامی صورت گیرد (تبریزی، ۱۳۵۲: ۳۰) بنابراین، بخش مهمی از کنترل و نظارت بر بازار که توسط پیامبر ﷺ صورت می‌گرفت، نظارت بر اوزان و پیمانه‌ها بود. قبل از اسلام، در بازار، نظارتی بر پیمانه‌ها و اوزان وجود نداشت، این مسئله سبب شد اوزان‌ها و پیمانه‌ها مختلف باشد و وزن واحدی در بازارها وجود نداشته باشد. چنین شرایطی عامل مهمی در کم‌فروشی و اجحاف در خرید و فروش می‌شد. گفته شده، تاجران مدینه تا زمان هجرت پیامبر ﷺ بدترین مردم در وزن کردن بودند. از جمله آنان شخصی به نام ابوجهینه بود که دو پیمانه داشت، با یکی برای خود تمام و کامل پیمانه می‌کرد و با دیگری برای خریدار کمتر و کوچک‌تر وزن می‌کرد. (طبری، ۱۴۱۲: ۲۶ / ۳۶۲)

به طوری که امام علی علیه السلام می‌فرماید: «باید فروش هر متاعی فروشی به وسیله ترازوهای درست و نرخ‌های عادلانه باشد که به هیچ کدام از طرفین خریدار و فروشنده ستمی وارد نشود و هر کس بعد از منع، دستش به احتکار و انباشتن سود آلوده شد، او را مجازات نما، مجازات و عقوبتی عادلانه که تعدی در آن نباشد» (دشتی، ۱۳۸۰: ۳۵۶) و این همان روشی است که پیامبر ﷺ برای مجازات کم‌فروشان نیز به کار می‌بردند.

تنظیم پیمانه‌ها و وسایل اندازه‌گیری که نشان‌دهنده تمایل شدید اسلام به تنظیم اجرای عدالت در انجام معاملات تجاری است، از اقدامات نظارتی رسول خدا بر مبنای آیات قرآن بود (حمود الجبوری، ۲۰۱۱: ۳۱۰) بنابراین، پیامبر ﷺ برای سامان بخشیدن به اوزان و رعایت حقوق خریدار، به تعیین اوزان و فروش محصولات براساس اوزان تعیین شده پرداخت. ایشان فروش هرگونه مواد بدون وزن کردن را منع نمودند. (نیشابوری، ۱۴۰۷: ۳ / ۳۴۱)

از راه‌های ایجاد توازن مالی و سلامت اقتصادی جامعه توسط رسول خدا توصیه به امانت‌داری و انصاف در معامله و پرهیز از کم‌فروشی بود و به همین علت هنگامی که آیه «وَيَلُّ لِّلْمُطَفِّفِينَ» نازل شد فروشندگان خود را اصلاح کردند (واحدی، ۱۴۱۱: ۴۷۴) و رسول خدا نیز پیمانه‌ها و ترازوهایی را که از دوره جاهلی مانده بود، پذیرفت (نسائی، ۱۴۱۱: ۱۱۲) و فرمود: «المکیال مکیال اهل المدینه و الوزن وزن اهل مکه؛ مکیال را برای اهل مدینه (وسیله‌ای که با آن غلات را پیمانه می‌کردند) و وزن را برای اهل مکه قرار داد» (ابن داوود، ۱۴۲۴: ۳ / ۲۱۰) و این امر دلالت بر این می‌کند که اسلام تمام معاملات دوران جاهلی را باطل ندانسته و برخی از آنها را به تناسب جامعه جدید، اصلاح کرده است. (حمود الجبوری، ۲۰۱۱: ۳۱۱)

دو. استفاده از روایات پیامبر ﷺ درباره مبارزه با کم‌فروشی

برای نهادینه کردن هر امر جدیدی، نیاز به تکرار و تذکر است و این جزو خصایص انسانی است که امور بسیاری از جمله فراموشی و غفلت، نیاز به تذکر مداوم دارد و به همین سبب در هر دوره نیاز به حضور فرستاده‌ای از سوی خداوند برای دعوت به یکتاپرستی است؛ در ارتباط با موضوع بحث نیز پیامبر ﷺ با روایات و احادیثی به تثبیت تلاش‌های قرآن پرداختند. تکرار این روایات سبب تذکر و یادآوری و در ادامه منجر به تثبیت مبارزه با مفاسد اقتصادی در باور مردم می‌شود.

با توجه به آیات ۸۴ و ۸۵ سوره هود، روایاتی از پیامبر ﷺ بیانگر پیامدهای مطرح شده در این آیات است استاد جوادی آملی یکی از آثار درآمدهای فاسد و حرام را، قحطی و کمبود می‌داند که به بسیاری از مفاسد منجر می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۹۴) و به روایتی از رسول خدا ﷺ استناد می‌کند که رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «اذا ظف المکیال و المیزان اخذهم الله بالسین والنقص؛ پس هرگاه کم‌فروشی شود، خداوند مردم را به قحطی و کمبود گرفتار سازد» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۷۰ / ۳۶۹؛ حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۱ / ۵۱۳) کم‌فروشی یکی از مصادیق کسب مال حرام است و از آسیب‌های آن، فقر و قحطی برای عده‌ای از مردم خواهد بود. اگر مال در مجموعه کالبد اجتماع گردش سالم و متوازن نداشته باشد و بعضی از اندام‌ها بهره حاصل شده را از حرام کسب کنند و اموال عمومی را بخورند، سبب سست شدن زندگی و فقر می‌شود. (حکیمی، ۱۳۸۰: ۳ / ۵۲۸)

پیامبر ﷺ فرمود: «هیچ گروهی کم‌فروشی نکردند، مگر اینکه زراعت آنها از بین رفت و قحطی، آنان را فراگرفت». (رازی، ۱۴۲۰: ۳۱ / ۸۸)

پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «هر کس در کیل و وزن خیانت کند فردا او را به قعر دوزخ درمی‌آورند و در میان دو کوه آتش جایش می‌دهند و به او می‌گویند این کوه‌ها را وزن کن و او همیشه به این عمل مشغول است». (رازی، ۱۳۷۶: ۲۰ / ۱۸۲)

آنچه از آیات قرآن برمی‌آید، آن است که کم‌فروشی مایه استثمار و فسادانگیزی در جامعه است و افزون بر گناه کبیره بودن (ابن‌بابویه قمی، ۱۴۱۳: ۲ / ۱۲۶)، کیفر دنیوی آن به شکل قحطی و خشکسالی بروز می‌کند. (کلینی، ۱۴۰۷: ۵ / ۱۵۹)

نتیجه

در پژوهش حاضر به بررسی شیوه گفتمان‌سازی و اقدامات قرآن به صورت تدریجی در راستای مبارزه با کم‌فروشی پرداخته شد و نتایج زیر حاصل گشت:

برای تغییر هر فرهنگی در هر جامعه‌ای ابتدا باید به گفتمان‌سازی و تغییر باورها و دیدگاه‌های

مردم پرداخته شود و پس از ایجاد دغدغه در ذهن‌ها و تبلیغ و جایگزینی گفتمان جدید، انتظار تغییر فرهنگ و وارد شدن آن فرهنگ در رفتار و عملکرد مردم را داشت، چنان‌که شیوه قرآن چنین است. قرآن در راستای گفتمان‌سازی در ارتباط با مبارزه با کم‌فروشی، به صورت تدریجی و برنامه‌ریزی شده پیش رفته است؛ در نتیجه، برای شکل‌گیری هر تغییر اساسی در جامعه باید با برنامه و به صورت تدریجی جلو رفت و اقدامات سریع و بی‌برنامه، هیچ تأثیر عمیق و پایداری نمی‌تواند داشته باشد.

مراحل گفتمان‌سازی قرآن در جهت مبارزه با کم‌فروشی شامل مراحل زیر است
مرحله توصیف؛ شامل: شناخت جامعه، بیان مذمت عمل و بیان واژگان جدید؛
مرحله تفسیر؛ شامل: فرهنگ‌سازی و تبلیغ گفتمان جدید؛
مرحله تبیین و رفتارسازی از طریق بیان پیامدهای کم‌فروشی مانند کاهش سطح اعتماد.
برای ایجاد تغییر در باور و فرهنگ عمومی مردم نسبت به یک موضوع بعد از برجسته‌سازی ضعف‌های دیدگاه رایج، باید بلافاصله به تبلیغ و الگوسازی‌های منطبق بر واقع در راستای گفتمان جدید پرداخت و تضعیف گفتمان رایج بدون ارائه راهکارهای جدید و واقع‌بینانه هیچ تأثیر مثبتی نمی‌تواند داشته باشد و این از مهم‌ترین مراحل یک گفتمان‌سازی موفق است.

منابع و مأخذ

الف) کتاب‌ها

- قرآن کریم، ترجمه علی مشکینی، ۱۳۸۱، قم، الهادی.
- قرآن کریم، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، ۱۳۷۳، قم، دارالقرآن الکریم.
- نهج البلاغه، گردآوری سیدرضی، ترجمه محمد دشتی، ۱۳۸۰، قم، لاهیجی.
- نهج الفصاحه، گردآوری و ترجمه ابوالقاسم پاینده، ۱۳۲۴، تهران، جاویدان.
- آقاگل‌زاده، فردوس، ۱۳۸۵، تحلیل گفتمان انتقادی، تهران، انتشارات علمی و فرهنگی.
- آلوسی، شهاب‌الدین، ۱۴۱۵ ق، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمرو، ۱۴۱۲ ق، تفسیر القرآن العظیم، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- ابن منظور، محمد بن مکرم، ۱۴۱۴ ق، لسان العرب، بیروت، دارالفکر.
- ابوداود، ۱۴۲۴ ق، السنن، بیروت، دارالفکر.

- اسکندری، محمدرضا، ۱۳۹۳، *اهمیت و جایگاه گفتمان‌سازی در منظومه فکری رهبری*، بی‌جا، بصیرت.
- تبریزی، کمال، ۱۳۵۲، *تئوری مدیریت*، تهران، خوشه.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۷۶، *پگاه حوزه*، قم، دفتر تبلیغات اسلامی.
- جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۳، *تعالیم قرآن*، تهران، نمایندگی ولی فقیه در سپاه.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۹۱، *مفاتیح الحیة*، قم، اسراء.
- حاکم حسکانی، عبدالله بن احمد، ۱۴۱۱ ق، *شواهد التنزیل لقواعد التفضیل*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حبیب‌اللهی، حمیدرضا، ۱۳۸۷، *هشدارها و تحذیرهای قرآنی*، قم، دفتر عقل.
- حر عاملی، محمد بن حسین، ۱۴۰۹ ق، *تفصیل وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة*، قم، مؤسسه آل‌البیت علیهم‌السلام.
- حسینی همدانی، سید محمد، ۱۳۸۰، *انوار درخشان در تفسیر قرآن*، تهران، لطفی.
- حکیمی، محمدرضا، ۱۳۸۰، *الحیة*، ترجمه احمد آرام، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- حیدری، علی محمد، ۱۳۸۵، *آیین تجارت*، قم، میثم تمار.
- خطیب، عبدالکریم، بی‌تا، *التفسیر القرآنی للقرآن*، بی‌جا، بی‌نا.
- رازی، ابوالفتح، ۱۳۷۶، *روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن*، مشهد، بنیاد پژوهش‌های اسلامی.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر، ۱۴۲۰ ق، *تفسیر کبیر*، بیروت، دار احیاء التراث العربی، ج ۳.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد، ۱۴۱۲ ق، *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت، دارالقلم.
- زبیدی، مرتضی، ۱۴۱۴ ق، *تاج العروس من جواهر القاموس*، بیروت، دارالفکر.
- زحیلی، وهبة بن مصطفى، ۱۴۱۸ ق، *التفسیر المنیر فی العقیة و الشریعة و المنهج*، بیروت، دارالفکر المعاصر.
- سید قطب، ۱۴۱۲ ق، *تفسیر فی ظلال القرآن*، بیروت، دارالشروق.
- شاذلی، فتوح عبدالله، ۱۹۹۱ م، *الجرائم المضره بالمصلحه العامه*، مصر، دارالکتب الحدیث.
- شی - ژو، ۱۳۹۴، *رویکرد فرهنگی به گفتمان*، ترجمه داوود کوهی، مراغه، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مراغه.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۶۸، *ثواب الاعمال و عقاب الاعمال*، قم، الشریف الرضی.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۷۶، *الامالی*، تهران، کتابچی.

- صدوق، محمد بن علی، ۱۳۸۶ ق، *علل الشرائع*، قم، داوری.
- صدوق، محمد بن علی، ۱۴۱۳ ق، *کتاب من لا یحضره الفقیه*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طالقانی، سید محمود، ۱۳۶۲، *پرتوی از قرآن*، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۷۴، *المیزان فی تفسیر القرآن*، ترجمه سید محمدباقر موسوی همدانی، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۴۱۷ ق، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، دفتر انتشارات اسلامی.
- طبرسی، فضل بن حسن، ۱۳۶۰، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، تهران، فراهانی.
- طبری، محمد بن جریر، ۱۴۱۲ ق، *جامع البیان فی تفسیر القرآن*، بیروت، دارالمعرفة.
- طریحی، فخرالدین، ۱۳۷۵، *مجمع البحرین*، تهران، مرتضوی.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۳۶۳، *الاستبصار فی ما اختلف من الأخبار*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- طوسی، محمد بن حسن، ۱۴۰۹ ق، *التبیان فی التفسیر القرآن*، بیروت، داراحیاء التراث العربی.
- طیب، عبدالحسین، ۱۳۷۸، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، تهران، اسلام.
- عاملی، ابراهیم، ۱۳۶۳، *تفسیر عاملی*، مشهد، باستان.
- عضدانلو، حمید، ۱۳۸۰، *گفتمان و جامعه*، تهران، نی.
- فرکلاف، نورمن، ۱۳۷۹، *تحلیل انتقادی گفتمان*، ترجمه شایسته پیران، تهران، مرکز مطالعه و تحقیقات رسانه‌ها.
- فضل‌الله، سید محمدحسین، ۱۴۱۹ ق، *تفسیر من وحی القرآن*، بیروت، دارالملاک.
- قانع، احمدعلی، ۱۳۷۱، *علل انحطاط تمدن‌ها از دیدگاه قرآن*، تهران، سازمان تبلیغات اسلامی.
- قرائتی، محسن، ۱۳۸۳، *تفسیر نور*، تهران، مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- قرطبی، محمد بن احمد، بی تا، *الجامع لاحکام القرآن*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
- قمی، علی بن ابراهیم، ۱۳۶۳، *تفسیر القمی*، بی جا، دارالکتاب.
- قمی، محمد، ۱۳۶۸، *کنز الدقایق و بحر الغرائب*، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- کلینی، محمد بن یعقوب، ۱۴۰۷ ق، *الکافی*، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ج ۴.
- مجلسی، محمدباقر، ۱۴۰۳ ق، *بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.

- مصباح یزدی، محمدتقی، ۱۳۹۱، *اخلاق در قرآن*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه السلام.
- معرفت، محمدهادی، ۱۳۸۶، *التمهید فی علوم القرآن*، قم، التمهید.
- مک دائل، دایان، ۱۳۸۰، *مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتمان*، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران، فرهنگ گفتمان.
- مک دائل، دایان، ۱۳۸۳، *مقدمه‌ای بر نظریه گفتمان*، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران، بی‌نا.
- مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، ۱۳۷۴، *تفسیر نمونه*، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- نسائی، احمد بن علی، ۱۴۱۱ ق، *السنن*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- نیشابوری، مسلم بن حجاج، ۱۴۰۷ ق، *الجامع الصحیح*، بیروت، مؤسسه عزالدین.
- هاشمی رفسنجانی، اکبر، ۱۳۸۶، *تفسیر و هنما*، قم، بوستان کتاب، ج ۵.
- واحدی، علی بن احمد، ۱۴۱۱ ق، *اسباب النزول*، بیروت، دارالکتب العلمیه.
- یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب، ۱۳۴۷، *تاریخ یعقوبی*، ترجمه محمدابراهیم آیتی، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

ب) مقاله‌ها

- آفاگل‌زاده، فردوس و مریم غیاثیان، ۱۳۸۶، «رویکردهای غالب در تحلیل گفتمان انتقادی»، *زبان و زبان‌شناسی*، شماره ۵، ص ۵۴ - ۳۹، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- حمود الجبوری، حاکم حمزه، ۲۰۱۱ م، «دور السوق فی الفکر الاقتصادي الاسلامی»، *الجامعة الاسلامیه (الجامعة العراقية)*، شماره ۲۶، ص ۳۲۲ - ۲۹۵، بغداد، مرکز الدراسات والبحوث الاسلامیه فی الجامعة العراقية.

